



آنچه جایگاه مادر ایرانی را از جایگاه‌های دیگر زن بودن متمایز می‌کند

همواره گفته می‌شود: «بهشت زیر پای مادران است»؛ جمله‌ای که به مادر تقدس می‌بخشد، مادری که از شیر جانش خود به کودکش نشانده، او را در آغوش پرمهر و محبت خود فشرد و بوسه‌هایی از جنس نور بر او نثار کرد، همان بانویی است که با بلوغ فکری خود به درجاتی از گذشت رسیده است. جایگاه مادر به مثابه یک نهادی است که فرهنگ و تمدنی را از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌کند. هنجارهای این جامعه را به نسل بعدی منتقل کند و برای همین است که خانواده در واقع نقش مهم تمدنی در عرصه سیاسی و اجتماعی دارد.

همیشه در کنار مردان موفق، زنان توانمند یا شیرزنانی نابغه زیسته‌اند که نمونه بارز آن را در حضرت امام خمینی (ره) می‌توان برشمرد و همچنین رهبر معظم انقلاب که از دامن مادری اندیشمند این گونه پرثمر به بار نشست است.

حرکت دادن توده زنان کشور به سمت مادر شدن چه میزان است؟

در تبیین باید به مفهوم زن بودن، توجه کرد و بعد از او خواست حس مادری را برانگیزد. تازمانی که زن در جامعه احساس کرامت نکند یک روز در جامعه بی‌حجاب بیرون می‌آید و روزی دیگر با اغتشاشگران همصدا می‌شود. البته این قطعا به معنای آن نیست که اعتراض‌های زنان نباید منعکس شود. بلکه به آن معناست که آن قدر باید با زنان کریمانه برخورد کرد که فکر اعتراض و استیفای حقوق آن به صورت خشن هم به مخیله‌اش خطور نکند. چراکه «المرأه ریحانه» البته قطعا استفاده ابزاری غرب باعث شده که زنان هویت خود را در کف خیابان جست‌وجو کنند و این نشان‌دهنده آن است که مادر تمدن‌سازی و هویت‌بخشی درست به زنان مان موفق نبوده‌ایم و حل این مسأله نیروی فراقوه‌ای پا به کار را برای حل مشکلات زنان طلب می‌کند.

توجیه می‌کنند که زن باید ابعاد مادی خود را مثل مردان تعریف کند؟

قاعدا احترام از جانب خانواده و جامعه، گم‌شده زن ایرانی امروز است که حضرت آقا در صحبت اخیر خودشان در جمع بانوان به آن اشاره واضحی داشتند و چه خوب است که مسئولان چه مدیران سطوح عالی و چه مدیران سطوح میانی همین منظر و مبنا را سرلوحه خود قرار بدهند.

نگرش دولت سیزدهم به جایگاه مادران ایرانی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر می‌آید هنوز ارزش‌گذاری جدی در این خصوص دیده نشده است یا حداقل این طور بگوییم آن قدر مصداق‌های پرداختن به این موضوع کم‌رنگ است و کم پرداخته شده که دیده نمی‌شود یا ملموس دیده نمی‌شود. حتی بعضا در بسیاری از امور و بارها به چشم دیده‌ایم که حرمت زن مسلمان ایرانی در دادگاه‌های خانواده شکسته شده که لازم است به طریق ویژه در این خصوص بحث و تبادل نظر شود. متأسفانه زن مسلمان ایرانی آن جایگاه و شأن لازم را درون جامعه و حتی خانواده ندارد. هنوز بسیاری از گرہ‌ها در بحث حقوقی بانوان و اشتغال باز نشده است. در عرصه اصلی تقابل تکالیف و حقوق زنان، دو بخش قابل تامل است؛ نخست این که بسیاری از حقوق زنان در منزل پایمال می‌شود که نیازمند حمایت‌های قانونی برای تحکیم خانواده و حمایت از زنان و مادران است. دوم: بسیاری از آقایان حضور زن را در جامعه که در واقع تکلیف دینی و سیاسی او برای اثرگذاری در جامعه است، با ادله مختلف مخدوش و سنگ‌اندازی می‌کنند تا همچنان بدون توجه به اقتضائات کنونی، زن را از عرصه حضور در جامعه حذف کنند. فراموش نکنیم وقتی می‌گوییم زنان شاغل در درجه اول مادرند، به این معناست که نیاز به حمایت بیشتری دارند تا هم از پس وظایف درون خانه خود برآیند و هم در اجتماع اثرگذار باشند. نباید غافل ماند از بانویی که از عرصه اثرگذاری در اجتماع حذف شود، در خانه باقی نمی‌ماند و به بازار و اختلاط و فضای مجازی و حجاب استایل و مدل استایل رو خواهد آورد.

● **نقش جهاد تبیین در تقویت فرهنگ مادری و**

نقش همسری و مادری را در خانواده داشته باشد، در همان حال می‌تواند به قول حضرت امام رحمت... در اجتماع هم نقش آفرین باشد. اما آنچه در این میان خط قرمز محسوب می‌شود نه برای سلب آزادی از او بلکه جهت پاسداشت و نگهداشت حیثیت انسانی اوست و روح لطیف و سرشار از عطوفت او، رعایت شئون و حدود و ثغور اسلامی است که یکی از آنها همین مسأله حجاب است.

نقش آفرینی اجتماعی را چگونه باید تعریف کرد که به دام افراط و فمینیسم نیفتد؟

نگاه نقش آفرین زن در خانه و تفکیک آن از نقش اجتماعی زنان یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی مطالعات زنان بوده است. در رویکردهای سنتی، نقش زنان را صرفا به کار در منزل تقلیل می‌دهند و برای زن هیچ منزلتی در عرصه اثربخشی جامعه و حضور موثر در مسندهای جریان‌ساز جامعه قائل نیستند. حال آن که فمینیست‌ها تلاش می‌کنند نقش زنانه را در جامعه هویت ببخشند و لذا این گونه از دامن خانواده فاصله گرفته‌اند. برای تعیین حد و مرز حقیقی تکلیف اثرگذار باید نگاهی نو را که انقلاب اسلامی تابنده است، مدنظر قرار داد که رهبر انقلاب می‌فرمایند زن خانه‌دار به معنای زن «خانه‌نشین» نیست بلکه فردی توانمند است که هر کاری از دستش برمی‌آید برای حل مشکلات جامعه انجام می‌دهد. او نسبت به سرنوشت جامعه بی‌تفاوت نیست چنانچه از تدبیر امورات منزل و تربیت فرزند و همسر داری که اولی‌ترین وظیفه زن است، غافل نیست.

چگونه می‌توان مقام مادر را بر اساس نیاز بشر امروز ارزش‌گذاری کرد؟

مبرم‌ترین نیاز بشر امروز به یک ایمان صحیح است. اشتباه مدرنیته این بود که فکر می‌کرد علم، عقل، صنعت، فن و تکنیک می‌تواند جای دین و ایمان را بگیرد. تهی کردن نقش مادری از زن، مشابه خالی کردن جامعه از انسانیت است. وقتی که زن را به عنوان یک کالا به درون جامعه فرستادیم، از کودکی الگوهای زیبایی او را ظاهری قرار دادیم و با الگوهای غربی مانند باربی مقایسه کردیم، زن را از هویت اصلی و انسانی او دور کردیم لذا مجبور می‌شویم با هویت جدید از او رونمایی کنیم. شاید بتوان گفت در این سخن امام رحمت... علیه که فرمود از دامن زن، مرد به معراج می‌رود، هویت انسانی و اسلامی زن تمدن‌ساز مشهود است.

حضرت زهرا (س) به عنوان اسوه و الگوی مادران چگونه الهام‌بخش بوده و هستند؟

در حدیث شریف کسا اشاره شده است که هم فاطمه و ابوها و بعلها و بنوها «محور بودن زنی به نام فاطمه» به چشم می‌خورد و آنجا که می‌فرماید «فاطمه! ابوها» و البته ثانیه به ثانیه حرکات و سکنات حضرت زهراست که شیرزنی چون حضرت زینب کبری (س) را در آغوش پروارند و حسنین علیهما السلام را به جهانیان تقدیم کرد.

امروز مادران جامعه ما پیشتر نیازمند رعایت اخلاق و احترام به جایگاه‌شان هستند یا مادیات؛ آخر بعضی



خانه و خانواده است و او کسی است که آینده جامعه را با تربیت صحیح فرزندان رقم می‌زند و این مسأله قطعا با اعتماد به زن پاکدامن محقق می‌شود.

نسبت تاثیر مادر و رسانه‌ها بر نهاد خانواده به شدت مهم است، چکار کنیم رسانه به عنوان اصلی‌ترین ابزار اثرگذار روز، موجب تغییر مفهوم زن مسلمان و مادری نشود؟

قاعدا رسانه‌ها یکی از محرک‌های پیش‌ران در تغییر سبک زندگی در جوامع است و برخورد صحیح با موضوعات به خصوص موضوع زنان و مادری و استفاده صحیح از رسانه در این زمینه، می‌تواند راهگشا باشد. در حال حاضر متأسفانه رسانه‌ها بیشتر جامعه بالاخص زنان را به سمت زیبایی ظاهری و مصرف‌گرایی سوق می‌دهند.

نقش آفرینی زن باید صرفا در خانه باشد؟

رهبر معظم انقلاب در پیام به کنگره ۷۰۰ شهید زن از الگویی نام بردند به نام الگوی سوم و آن را این‌طور تبیین کردند که نگاه اسلام به زن، نه نگاه زن شرقی است که صرفا کنیز خانه مرد باشد و نه نگاه زن غربی که ابزاری برای مرد چه از جنبه جنسی و زنانگی او و چه از جنبه اقتصادی و نیروی ارزان او؛ بلکه نگاه اسلام، نگاه سومی است که زن در عین آن که می‌تواند

